



ادبیات الکترونیک و روایات های مکانمند

محلله های شهر قصه می گویند



پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

من آدم تاریخ بازی ام، قصه و داستان هم که دیگر نگویم برایتان! هنوز هم وقتی به حمام مخروبه روستا یا می‌گذارم یا از کوچه های گلی و برجک های نیم برافراشته اش عبور می کنم، در ذهنم داستان ها می سازم. وقتی بابای مرتضی از مراسم حمام بردن داماد در روزگار کودکی اش حرف می زند، پرت می شوم به ۵۰-۶۰ سال پیش؛ صدای نی و دف را می شنوم، گریه عروسک های بالغ نشده در گوشم طنین می افکند، عشق های به یغمارفته را ذهنم بازسازی می کند، دویدن های دخترکان و پسرکان را جلو اسب و قاطر عروس و داماد تصور می کنم، و.... خلاصه، از یک کلمه داستانی می سازم واز یک خاطره تاریخی! تعجبی ندارد که گردشگری مردم شناسانه را هم به دیدن جاذبه های طبیعی ترجیح می دهم؛ بناها و آثار تاریخی قابلیت بیشتری برای قصه بافی دارند؛ کلون قدیمی در بنایی تاریخی به ذهنم می آورد که چه ها بر آن گذشته، دست که ها آن را به خشم یا ملایمت، ترس یا خجالت کوبیده، و چه می شود، اگر در همان بزنگاه نقالی بیاید و قصه ای از آن نقل کند (چنان که در کلات نادری بر ما گذشت!) دیگر از من کامرا تور پیدا نخواهد شد!

در دنیای امروز، آرزوهای سبک سرانه ای از جنس خواسته های من خیلی هم آرزو نمی مانند؛ حالا، قصه شنیدن از در و دیوار شهر چندان غریب و دور از انتظار نیست.

این روزها، فناوری راه های جدیدی برای تجربه داستان ها پیش رویمان گذاشته است. در فصول پایانی کتاب «ادبیات الکترونیک» رتبرگ، باز اثر روایت های موقعیت محور یا «داستان های مکان محور» آشنا شدم. در این نوع از ادبیات الکترونیک، داستان ها، با استفاده از فناوری جی پی اس و دستگاه های تلفن همراه، به مکان های واقعی و تجربه ای خورند و تجربه ای تعاملی و منحصربه فرد برای خواننده ایجاد می کنند، به عبارت دیگر، خواننده، با حضور در مکان های مشخص شده، بخش هایی از داستان را کشف و تجربه می کند.

رتبرگ، در کتابش، پروژه «۳۴ شمال ۱۱۸ غرب» را، که در سال ۲۰۰۳ در لس آنجلس اجرا شده بود، مثال زده بود، در این پروژه، شرکت کنندگان، مجهز به دستگاه جی پی اس و هدفون، در مرحله ای خاص قدم می زدند و با رسیدن به نقاط معین روایت هایی صوتی از تاریخ آن مکان را می شنیدند. این تجربه به آن ها اجازه می داد تا گذشته فراموش شده آن منطقه را به صورت زنده و در محل واقعی اش تجربه کنند.

یا پروژه دیگری بود به نام «مزمزه» در تورنتو، که در آن تابلوهای سبزرنگی در شکل گوش در نقاط مختلف شهر نصب شده بود؛ رهگذاران، در تماس با شماره تلفن درج شده بر روی تابلو، می توانستند داستان ها و خاطرات مرتبط با آن مکان را بشنوند یا داستان های خود را به اشتراک بگذارند.

این نوع روایت ها تجربه خواندن را از حالت متغلفانه خارج کرده و آن را به تجربه ای پویا و تعاملی تبدیل می کنند. خواننده، نه تنها داستان را می خواند، بلکه، با حضور در مکان های واقعی، بخشی از آن می شود و ارتباط عمیق تری با روایت برقرار می کند. شبیه جادو به نظر می رسد؛ این طور نیست؟ فکر کن دیگر لایه نباشد در قفسه های کتابخانه دنبال داستان بگردی، داستان خودش تو را پیدا کند، درست در گوشه ای از شهر که هرگز فکرش را هم نمی کرده ای؛ تصور کن در حال قدم زدن در محله عید کا، مشهد هستی، ناگهان گوشی ات هشدار می دهد: «ایست! همین جا که قدم می زنی، نزدیک به پانصد سال پیش، صحنه بی رحمانه ترین کشتارهای تاریخ شهر بوده است.»

نکته جالب اینجاست که این تجربه هاتنها به پروژه های بزرگ محدود نمی شوند؛ با پیشرفت فناوری و دسترسی گسترده به دستگاه های هوشمند، هرکسی می تواند داستان های مکان محور خود را خلق کند. برای مثال، خود شما می توانید داستانی درباره محله کودکی تان بنویسید و با استفاده از ابزارهای موجود آن را به مکان های واقعی پیوند دهید تا دیگران نیز بتوانند، با قدم زدن در آن محله، داستان شما را تجربه کنند.

در نهایت، روایت های مکانمند پل هستند بین دنیای فیزیکی و دنیای دیجیتال، که به ما اجازه می دهند داستان ها را، نه تنها با ذهن، بلکه با تمام حواسمان تجربه کنیم. کسی چه می داند؟! شاید روزی برسد که بچه ها، به جای شنیدن قصه «یکی بود یکی نبود»، در گوشه و کنار شهر به دنبال قصه ها بگردند، شاید روزی برسد که بتوانیم، با قدم زدن در خیابان ها، بکرترین و شگفت آور ترین داستان ها را از زبان خود شهر بشنویم.



سوئد کتاب های درسی کاغذی را برمی گرداند

در سال ۲۰۰۹ میلادی، دولت سوئد در سیستم آموزشی خود تغییری بنیادین ایجاد کرد؛ تصمیم گرفت که در مدارس رایانه و ابزارهای دیجیتال را جانشین کتاب های درسی سنتی کند. هدف نوسازی نظام آموزشی و آماده کردن دانش آموزان برای ورود به دنیای دیجیتال بود که با سرعت داشت متحول می شد. دولت، در آن زمان، معتقد بود که رایانه ها و تبلت ها یادگیری را جذاب تر و دست یافتنی تر می کنند.

کتاب های درسی چاپی، به تدریج، به نفع منابع دیجیتال حذف شدند؛ انتظار این بود که این کار، در درازمدت، مقرون به صرفه تر باشد و به روزرسانی منابع آسان تر صورت بگیرد. چشم انداز روشن بود، توانمندسازی دانش آموزان با ابزارهای دیجیتال، دسترسی آن ها به انبوهی از اطلاعات، و امکان یادگیری با روش های جدید و نوآورانه. در آن سال، این کار دولت سوئد گامی ضروری در حرکت به سمت یک محیط یادگیری مدرن تر و انعطاف پذیر تلقی شد. اما، علی رغم شهرت مطلوب سوئد در رتبه بندی آموزش جهانی، این تغییر موفق نبوده است؛ مطالعات بسیاری نشان داده اند که خواندن از طریق ابزارهای الکترونیک باعث خستگی چشم و کاهش تمرکز می شود. مهم تر از این، به نظر می رسد که حافظه دانش آموزان، زمانی که به صورت دیجیتال مطالعه می کنند، آسیب می بیند، و درک مطلب آن ها ضعیف تر می شود. ظاهرا، در دست گرفتن کتاب و ورق زدن آن نقش مهمی در تعامل شناختی دارد.

در مواجهه با این نگرانی های فزاینده، دولت سوئد تصمیم گرفته است یک روش ترکیبی را جانشین این رویکرد دیجیتال کند که قرار است تا پایان سال ۲۰۲۵ در تمام مدارس اجرایی شود. هدف این است که امتحانات حاصل شود هر دانش آموز، در هر موضوع، یک کتاب درسی کاغذی دارد که بستر تجربه یادگیری ملموس و بدون حواس پرتی را فراهم می آورد. به مدارس گفته اند که از ابزارهای دیجیتال متدلانه تر بهره بگیرند.

منبع: ایپنا



«شاهنامه در دو بازخوانی» پس از سال ها تجدیدچاپ شد

مواجهه مسکوب با حماسه فردوسی

خادم

کتاب «شاهنامه در دو بازخوانی: یادداشت های شاهرخ مسکوب بر شاهنامه فردوسی»، که با ویراستاری مهری بهفر و به همت «نشر نو» نخستین بار در سال ۱۳۹۳ منتشر شده بود، پس از ۱۰ سال، دوباره

به چاپ رسید.

ناشر، در معرفی این اثر، آورده است: «شاهرخ مسکوب، در سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ در ایران و از ۱۳۵۸ به بعد در فرانسه، به هنگام خواندن 'شاهنامه' و در حاشیه آن یادداشت هایی را از حس و نظر و تأثر آنی خود در مواجهه با متن می نویسد. او کار فردوسی را، نه بازگویی منظوم خدای نامک و اساطیر از یادرفته تاریخ و افسانه، بلکه 'ازسویی، یافتن معنای درونی و ناخودآگاه تاریخ انسان و جهان' و 'ازسوی دیگر، بازنمود آن در سخنی که آئینه درست نمای زیبایی است' می داند. نوشته های مسکوب، در میان آثار پدیدآمده درباره 'شاهنامه'، تمایزی آشکار دارد. او سعی می کند برپایه تجربه های فردی و اجتماعی خود تصویری معاصر از فردوسی و تصویری کهن الگویی را درد های کنونی به دست دهد و شناخت گذشته را با امروز و شناخت امروز را با گذشته قوام بخشد.»

کتاب «شاهنامه در دو بازخوانی» دربردارنده یادداشت هایی است که شاهرخ مسکوب، در دو دوره زمانی، بر «شاهنامه» نوشته و ذیل دو بخش آمده است. بخش اول دربردارنده یادداشت هایی است که او بر حاشیه «شاهنامه» انتشارات «بروخیم» (چاپ ۱۳۱۳) طی سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ در اصفهان و در شیراز و در سال ۱۳۳۳ در تهران نوشته است. در یادداشت های این بخش، مسکوب، در نوبت های مختلف بازخوانی «شاهنامه»، گاهی، گفته های خود را تصحیح کرده و با تعبیری مثل «خواننده فصول حرف فردوسی را نفهمیده بود» یادداشت های پیشینش را اصلاح کرده است. بخش دوم دربردارنده یادداشت هایی است که نویسنده، از سال های ۱۳۵۸ به بعد، طی بازخوانی «شاهنامه» در پاریس، پس از تجربه موفق انتشار «مقدمه ای بر رستم و اسفندیار» و «سوگ سیاوش»، در حاشیه «شاهنامه» چاپ انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، مشهور به «چاپ مسکو»، نوشته است. یادداشت های مسکوب دربردارنده نکاتی است که او برای یادآوری به خودش نوشته. یا حس ها و تأثراتی که اشاره به آن ها برای او اجتناب ناپذیر بوده است؛ بنابراین، زبان آن ها، در هر دو بخش، از آن روکه بیشتر بیانگر تأثرات آنی در لحظه برخورد با متن است، گاه مطلقاً بیان حس و هیجان و شور- حتی خشم نسبت به شخص یا مطلبی در متن- و گاه اندیشه و دیدگاهی است که چهارچوب نظری پیدا نکرده و در مجموع- نسبت به دیگرنوشته های مسکوب نیا رسته و نهیراسته است. زبان، در این یادداشت ها، گاه شتاب زده و حتی ضعیف است، و گاه عامیانه؛ گاهی حتی الفاظ رکیک یا ضربه المثل های عامیانه چاشنی نظرهای مسکوب شده است. یادداشت ها، از شدت ایجاز، گاه، اشاره وار و حتی تلگرافی است، و در موارد بسیاری عبارات بدون فعل مانده است؛

در برابر، در مواردی که از یافته های اسطوره شناسان و شاهنامه شناسان مطلبی نقل شده، مفصل است. در کتاب هم عین یادداشت ها، بدون ویرایش و تغییردادن زبان، ارائه می شود و ویراستار، هر جا که افتادگی ای را تکمیل کرده، آن را در قلاب قرار داده و از یادداشت های مسکوب متمایز کرده است. مهری بهفر نیز در مقدمه اش بر این کتاب نوشته است: «و کار ویرایش و تنظیم این یادداشت ها، اگرچه چیزی به قدر و جایگاه مسکوب نمی افزاید، اما انگیزه انتشار یادداشت های اشخاص طبعاً این نیست که بر اعتبار و اهمیت آنان بیفزاید، مسئله فراهم آمدن تصویری کامل تر از آن ها و امکان درک و شناخت بهترشان است، مسئله حفظ نوشته ها، اسناد و یادداشت های به میراث مانده است، و اینکه، به خصوص ما، حفظ نوشته ها و یادداشت های

شخصی و غیرشخصی را مشق کنیم و دوراندختن و از بین بردن نوشته ها با معیار ارزش داورانه سلیقه و پسند خودمان را به کنار، نهیم، مشقی برای نگه داشتن نوشته ها، خاطره ها، عکس ها، نامه ها، و ...»

یادداشت های مسکوب در دو «شاهنامه» ناظر به ایباتی یکسان نیست؛ در هر کدام از این دو «شاهنامه»، صحنه ای از داستان، نکته ای درباره شخصیت، عبارت یا کلمه ای، مفهومی، مضمونی یا تصویری مورد توجه بوده است که در دیگری نبوده و نویسنده بر آن یادداشتی ننوشته است؛ بنابراین، یادداشت ها به گونه ای نیست که بتوان این موارد را جزء به جزء به شکل مقایسه ای روبه روی هم نهاد و نموداری از تحول و تغییر دیدگاه های مسکوب نشان داد. این کتاب، گذشته از آنکه یادداشت های مسکوب را در لحظه خواندن «شاهنامه» پیش رو می گذارد، شاید بتواند، به نوعی- برشی از فهرست موضوعی «شاهنامه» به شمار آید، همراه با نمونه بیت های هر موضوع.

یکی از امتیازهای این کتاب این است که برداشت های مسکوب از «شاهنامه»، به دلیل متن های مختلفی که او در هنگام خواندن «شاهنامه» و در ارتباط با آن به حاشیه وارد کرده، همراه شده است باگزیده ای از مطالعات دیگر اودر این زمینه.

بخش هایی از متون مختلف، از جمله «اوستا»، «زند بهمن یسن»، «بند هشتن» تا «زراتشت نامه»، «دیوان رودکی» «تاریخ بهیقی»، و «الیلیاد» و «ادیس»، «انه ئید»، و تراژدی های شکسپیر و راسین، و متون نظری حماسه و اسطوره شناسی، که در کنار یادداشت های او و متن «شاهنامه» می تواند برای خوانندگان مفید و جالب باشد.



دوری از عصر حماسه، دلیل علاقه به «شاهنامه» «شاهنامه» شاید مهم ترین دل مشغولی ادبی و فرهنگی شاهرخ مسکوب بوده باشد؛ و آثاری که از او درباره «شاهنامه» باقی مانده شاهدهی است بر این دلبستگی و پیابندی او به اثر فردوسی. «مقدمه ای بر رستم و اسفندیار»، «سوگ سیاوش»، «ارمغان مور» و «تن

پهلوان و روان خردمند» آثاری هستند که مسکوب، در طول سال های مختلف، درباره «شاهنامه» و شخصیت های آن نوشته است و بسیار مورد توجه قرار گرفته اند.

شاهرخ مسکوب، در میزگردی که سال ۱۳۵۱ با حضور مهرداد بهار، ناصر باکدامن، امیرحسین جهانگیرلو، داریوش شایگان و محمدرضا شفیع کدکنی برگزار شده و مجله «کتاب امروز» متن آن را منتشر کرده است، درباره توجه و علاقه اش به اثر سترگ فردوسی گفته است: «توجه من به 'شاهنامه'، در حقیقت، اگر بخواهیم به معنی دقیق بگوییم، یک توجه انفعالی است؛ خیال می کنم ما در دوره ای هستیم که مطلق دوره حماسی نیست. در این دوره ای که ما زندگی می کنیم، معمولاً آدمی زاد اراده خودش را نمی تواند عملی کند؛ کسانی که به زندگی فکر می کنند، معمولاً، برخلاف فکرشان عمل می کنند و زندگی ای که دارند زندگی دلخواه نیست. اما 'شاهنامه' درباره آدم هایی صحبت می کند که زندگی دلخواه دارند، به این معنی که، وقتی عمل می کنند، مطابق فکر و خواستشان است؛ فکرشان واقعیت پیدا می کند یا به قول مرحوم فروزانفر 'هستی پذیر' می شود، مثل اینکه این اراده جسم پیدا می کند، این قدر قدرت دارد! در حقیقت، توجه من یک چنین نوع توجهی است. اگر من، خودم، یک زندگی حماسی داشتم یا آن جورکه فکر می کردم می توانستم عمل کنم، آن وقت، دیگر به نفس عمل کردن می پرداختم، اما الآن زندگی برای من بیشتر یک نوع حالت حسرت دارد، و به همین معنی هم جنبه تراژیکش کمی بیشتر می شود و شاید کمی هم رنگ عارفانه پیدا می کند. همه اش نگاه می کنم به جاهای دور، که آدم هایی بوده اند که می توانسته اند چیز را که دلشان می خواست عمل بکنند و من درست نقطه مقابل آن ها هستم؛ همیشه جوری زندگی می کنم که دلم نمی خواهد و آن جوری که دلم می خواهد نمی توانم زندگی بکنم. علت توجه من به 'شاهنامه' این است که نسبت به این کتاب من خودم را در قطب دیگری می بینم. آرزو می کنم که مثل شخصیت های کتاب باشم که خواستشان را به عمل درمی آورند و می دانم که نیستیم و آگاهی دارم به اینکه نمی توانم آن طور باشم. این توجه مرا جلب می کند.»

منبع: وبگاه، فرهنگ نشر نو، وبگاه، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب»

معرفی کتاب «فلسفه کار»، نوشته ریموند گویس

کندوکاوی در کار و نقش آن در زندگی ما

داشته باشیم؟ جست وجو برای رسیدن به پاسخ این سؤال ها پروژه ای فلسفی است، چون حداقل یکی از آرمان های سنتی فلسفه، از سقراط تا کنون، خودشناسی بوده است، از جمله شناخت جایگاه خودمان در جهان، در تاریخ، در زمان حاضر، و البته در آینده های محتمل. هرکسی، برای فهمیدن موقعیت خود و درک تجربه اش در جامعه، باید جایگاهش را در میان شبکه ای به هم پیوسته از واقعیت ها بیابد، واقعیت هایی که طبیعتاً به همراه امیدها، آرزوها، انتظارات، ارزش ها و ترس های ما چهارچوب زندگی فردی و جمعی مان را شکل می دهند.»

«فلسفه کار». نوشته ریموند گویس، ترجمه کیوان سر رشته، نشر پیدگل، ۱۸۴ صفحه، ۲۲۵ هزار تومان، منبع: وبگاه ناشر

